

دکتر کاظم ودیعی

فضای فرهنگی روستائیان در دوره انتقال

اصلاحات ارضی در ایران به اهداف سیاسی خود سریعاً دست یافت و اهداف اجتماعی خود را بعزت گستردگی دامنه آنها که از رفاه اجتماعی شروع و به مومکراسی ختم می شود لمس کرد و از اهداف اقتصادی خود بسبب رشد سریع اقتصاد ایران در دهه اخیر ^۱ در گذشت. ^۲ *بانی و مطامع فرهنگی*

براین حکم ملاحظات چندینی وارد است. نخست آنکه بدنبال انقلاب در فضای سیاسی و دیگر گونی در هرم قدرت ^(۱) در جامعه روستائی فضای فکری و ذهنی و روحی روستائیان متقلب شد. دوم آنکه رشد سریع اقتصادی بعامل مختلف صرفاً ریشه در افزایش تولیدات روستائی نداشت و این بمعنی آنستکه روستائی سطح زندگی و درآمد خود را بالا بردی آنکه بهمان نسبت کار کشت خود را توسعه

۱ - رجوع کنید به مقاله بر روستائیان ایران ، کاظم ودیعی ، چاپ دوم ، دهخدا ، تهران فروردین ۱۳۵۲ همچنین به برداشت دیگری از همین مقوله در رساله دکترای آقای مهدی طالب: تغییرات اجتماعی - اقتصادی يك ده ایرانی از ۱۹۶۵ تا ۱۹۷۵ دانشگاه تولوز - مؤسسه علوم اجتماعی.

بخشیده باشد تا آنجا که بسبب شهرزدگی‌ها و نفوذ اقتصاد کاذب زمین، زمین غیر زراعی در روستا ارزشی پیش از زمین زراعی پیدا کرد. سومین نکته آنکه اهداف اجتماعی اصلاحات ارضی چنان بلند پی‌ریزی شدند که با توجه به ضعف برنامه‌ریزی‌ها در مقیاس ده حصول به آنها ممکن نگردید زیرا رفاه اجتماعی در جامعه ده وقتی تحقق می‌یابد که رشد اقتصادی متناسبی در جهت مبانی اقتصاد روستائی صورت گرفته باشد. از آنجا که رشد حاصل شده در بسیاری از موارد ربطی به تولید روستائی ندارد این رشد تزریقی و الفائی اقتصادی نبوده و نیز نمی‌توانست جوابگوی اهداف بلند رفاه اجتماعی روستائیان باشد. علت اصلی شهرزدگی روستاهای ما ناشی از همین رشد اقتصاد غیر روستائی در قلمرو روستاها است. به این معنی که دولت از بدو اجرای اصلاحات ارضی برای پر کردن خلأ ناشی از غیبت مالک و جبران ناداری‌های روستائیان و آفات و خشکسالی‌ها و زلزله‌ها و مانند آن کمک مالی کوتاه مدت و دراز مدت بصورت وام و گاهی بصورت وام بلاعوض جنسی و نقدی به روستاها کرد بعبارت دیگر دولت ده را از لحاظ اقتصادی ظاهراً روی پای خود ایستاند اما در باطن ده وابسته شهر و دولت شد.

اینک باز گردیم به توضیحی در باب هر یک از این سه مقوله:

۱- تحول فکری و روحی روستائیان^(۱) خفتگی روانی و دماغی روستائی را چه چیز جز اصلاحات ارضی می‌توانست برهم زند - باز گرداندن زمین به آن کسی که زمین را می‌کاشت شخصیت انسانی روستائی را بوی باز گرداند و قوای دماغی وی با قبول تمام مراحل کاشت و داشت و اندیشیدن به مسئله بازده و بازار -

۱- رجوع کنید به ده گفتار: نوشته دکتر کاظم ودیعی، مقاله رستاخیز روستائی ایران

(گفتار هشتم)، تهران ۲۵۳۵، ناشر گروه بررسی مسائل ایران.

یابی از طریق تأمین تولید وی را آماده قبول مسئولیتهای تازه کرد.

اینک روستائی ما يك انسان مسئول است. انسانی است که رسالت خود را حس میکند. میداند که باید قبول مسئولیت کند چه از لحاظ اقتصادی و چه از لحاظ اجتماعی، همچنین او میداند که بنیادهای تازه روستائی را از طریق اشتراك مساعی با همکاران خود باید اداره کرده و بشمر رساند. وی در همه چیز يك ده سهیم است و هم اوست که مبانی يك دموکراسی اجتماعی را در بطن تعاونیهای روستائی خود میپرورد. و حق دارد در همه چیز جامعه خود دخالت کند. به نوسازی ده و به کردن زمین و بذر و تأمین اعتبارات لازم و مکانیزاسیون زراعی بیانديشد و برای يك ترقی و توسعه واقعی فکر کند و سرمایه نهد و لو آنکه این ترقی و توسعه مختصر و ناچیز و بهر حال واقعی باشد. این سهام ناچیز که وی امروز با آن تعاونی کمیته خود را میسازد مبنای يك سیستم اعتباری واقعی آینده او و فرزند او خواهد بود. این انجمنهای ساده و کم تشریفاتی را که امروز بنده راهنمائی و ارشاد دولت برپا میکند پایه اداره امور ده بدست خود وی در آینده نزدیک خواهد بود و این بذر و کود و تراکتوری را که امروز بکمک مروجان هنوز هم ناشیانه بکار میبرد و گاهی برایش این ناشیگری گران تمام میشود اساس يك زراعت مکانیزه و يك اقتصاد سالم روستائی آینده خواهد بود.

روستائی امروز طبرغم اجحاف صنعت علیه صنعت نمی جنگد ، بلکه فرآوردههای صنعتی بکار میبرد و قیمت گرانی هم که شده بصنعت روی میکند و از آن میآموزد. درست است که بتوان مصرف کننده موجودی بی پناه در برابر غول صنعت مانده اما وی بزودی با اندیشیدن بامر بازاریابی کالای کم بها و آسیب پذیر خود را بهمان صنعت که امروز کالاهائی پربها و کمتر فسادپذیر دارد به بهای مناسب خواهد فروخت.

چنین روستائی دیگر در لاک خود نمی خزد و در دنیا را بروی خود نمی بندد

او به تسخیر بازارها و فرزندانش که همان روستازادگان دانشمندان باشند مناسب و باشغال مناسب برمیخیزند و سدهای طبقاتی را شکسته راه را برابری ده و شهر از لحاظ درجه رفاه و سطح زندگی می‌گشایند. در همان حال که شبکه راههای فرعی به شبکه راههای شوسه و اسفالت و راه آهن‌ها و اتوبانها متصل میشود انوار معرفت بهمین نسبت به دورترین روستائی و باقصی نقطه ایران خواهد تابید.

نشانه‌های امید بخش دگر گونیهای جامعه ما در پیشانی متأمل روستائی تازه به کتاب و قلم آشنا شده حاک شده و نه برجین دیوارهای نئون زده شهرهای دورغین که حتی یک روز بی مدد روستاها روی پای خود ایستادن نتوانند.

رعایا زارع شدند و زارعین کتاب میخوانند و باکشت و نوسازی آشنا میشوند و میاندیشند و قبول مسئولیت می کنند و مسائل و مشکلات خود را حس کرده مقابل آنها میایستند. اینست نشانه واقعی اثرات اصلاحات ارضی که از رعیتی زارعی و از زارعی انسانی صاحب فکر و بارسالت و نه ذلیل و زبون ساخته و ایران را سربلند و جامعه‌ای را مرفه میدارد.

و اما وقایع و تحولات پانزده ساله اخیر خیزگاه تاریخی حوادث فوق العاده بنیانی دهه‌های بعد خواهد بود. چه چیز بنیانی تر از اینکه ما در دهه‌های بعد نسبت روستانشینان و شهرنشینان را وارون ببینیم. ایرانی را تجسم کنید که در آن ۷۰ درصد جمعیت شهرنشین و وابسته به صنعت و تجارت و خدمات مربوط باشند و ۳۰ درصد جمعیت و کمتر از آن معاش خود و همه ایرانیان را از روستاها برگیرند. سپس روستاهائی را تجسم کنید که در آن بیکاری پنهان و آشکار وجود ندارد روستاهائی را تجسم کنید که در آنها تولید بعد اعلای بازده ممکن و سطح زندگی رفاه در آنها بسطح زندگی و رفاه شهری حداکثر نزدیکی را یافته‌اند روستاهائی را تجسم کنید که در آنها مسائل آب و آبیاری، که در آن مفاهیم و مسائلی چون بد کاشتی و کم کاشتی بد کاری و کم کاری کم آبی و خشم طبیعت و آنچه بر اثر بی رویگی

محصول را میخورد و بیاد میدهد و همچنین مفاهیمی چون وام کوتاه مدت چندین هزار ریالی سلف خری و نظایر آن از فرهنگش برافزوده باشد. دهه گذشته خاستگاهی بود برای ساختن چنین روستاهائی که بدان نتوانیم رسید مگر با تربیت و خلق نسلی از مدیران عمیقاً آموزش یافته کاردان روستاشناس و چند ارزشی.

۲- تحول در منابع معیشت، اقتصاد روستائی: تولید بیشتر تنها هدف روستاهای کنونی ایران نیست. باغداری و دامپروری و زراعت و صنایع روستائی همان اقتصاد سنتی روستائی اند اما جهت گیری های آغاز شده اینک روی در آن دارند که هیچ ماده خامی بسادگی از دروازه ده خارج نشود و روستاهای هر منظومه با تشکیل واحدهای بزرگ هرچه بیشتر مواد تولیدی خود را بصورت تغییر و تبدیل یافته بخارج بفرستند. بنابراین نشانه های دگر گونی های بسیار را در انواع معیشت و منابع مربوط به آن در کنار مزارع و حومه روستاها رفته رفته باید جستجو کرد. علاوه بر این واحد جغرافیائی ده قادر است در تمام شئون خود را صنعتی کند و حتی به صنایع استخراجی و استخراج معدنی در محدوده خود بپردازند این کار هم الان شروع شده است و کارگاه های جدید قالی بافی و استخراج بعضی منابع سنگ و ذغال سنگ در حومه روستاها بدست خود روستائیان و سرمایه گذاری در کار تأسیس بعضی کارخانه ساده و حفر چاه عمیق و نظایر آن نشانه های آغازی بر این مدعاست.

مبدا همه منابع در منابع طبیعی و تولیدات زراعی و دامی و صنعتی آن نیست نیروی عظیم انسانهای ساکن روستاها بسی و الاثرو گرانبها تر از منابع و ذخایر صوری آنست و رستاخیز فکری و روحی آنها خالق بسیاری از معیشت های تازه خواهند بود که در حالت عادی هرگز تصور آن نمی رود.

متأسفانه در جوار این اقتصاد و بموازات تحول در ابعاد آن بسبب ضعف در

برنامه ریزی اقتصادی در مقیاس و سطح ده نوعی اقتصاد کاذب مصرفی که آغاز آن از زمین بازی بود به ده تحمیل شد. زمین بازی در حومه ده و رباخواری در بطن جامعه به لطف بانکها رواج یافت و در پناه آن فضای فکری تازه ای بر جامعه روستائی مستولی گردید.

عدم تعادل بین رشد جوامع صنعتی شهری و روستاهای سنتی تفاوت شدید قدرت خرید ناشی از دستمزد در ده و شهر موجب تسریع مهاجرت ها از ده به شهر شد. کار پر مشقت و مستحق مهارت کشت در برابر کار آسان خدمات ساختمانی و به نیمه ماشینی در شهرها تحقیر شد و فشار فقر ناشی از استعمار قرون در پناه امکاناتی که انقلاب به روستائی داده بود غیر قابل تحمل گردید^(۱) در چنین شرایطی دیگر شیوه ای کهن کشت و کار قدرت رقابت با شیوه های پیشرفته را نداشت و جز به مدد و تکنولوژی جدید امکان ندارد بتوان بر جاذبه کار در ده افزود.^(۲)

۳- در زمینه رفاه اجتماعی - بدنبال تحولات سیاسی و ایجاد نهادهای تازه اجتماعی و دگرگونی درهم قدرت حوادث بسیاری اتفاق افتاد. در میان این نهادهای سیاسی و اجتماعی انجمن های ده - خانه های انصاف - مجامع عمومی و هیأت مدیره تعاونی های روستائی - شرکتهای سهامی زراعی - خانه های فرهنگی - کلاسهای مبارزه بایسواد و سپاهیان انقلاب نقش بسیار مهم داشته و دارند. لکن از آنجا که این نهادها پشتوانه تجربی کافی در جامعه ما نداشتند سالها طول

۱- رجوع کنید به تنگناهای توسعه اقتصاد و روستائی پژوهشی، دکتر کاظم ودیعی اندیشه های رستاخیز، شماره ۲

۲- رجوع کنید به امکانات ملی و تمدن بزرگ، دکتر کاظم ودیعی: - ده گفتار - گروه بررسی مسائل ایران، ۲۵۳۵

کشید تا فرهنگساز شدند و جز در مورد سپاهیان انقلاب که آثار علمی و ملموس کارشان در روشن بود و همین آنها را زود به جامعه روستائی شناسانید دیگر نهادها در دهه اول انقلاب تنها بعمد دولت و نه بخاطر مشارکت وسیع روستائیان سرپای ایستادند.

اندازه گیری تحولات اجتماعی و تغییرات ذهنی و فکری و کشف فضای روانی روستائیان برای پژوهشگران دشواریهای بسیار دارد. بهمین دلیل یافتن شاخص تحولات فکری و ذهنی مربوط آسان نیست در حالیکه محاسبه درآمد خانوار روستائی علیرغم همه پنهانکاریهای ذاتی و علیرغم پیچیدگی خاصش و بخاطر پیچیدگی منابع معیشتی روستائیان چندان دشوار نیست. (۱)

معهدا می توان از مجموعه گزارشها و مشاهدات بهرچند ویژگی انگشت نهاد.

۱- تفکر اقتصادی در حال حاضر تفکر اقتصادی بر فضای روستائیان ایران سایه انداخته است. این نشانه خوبی است. زیرا وقتی شخص در مقابل چرای اقتصادی قرار گیرد تلاش خود را نظم می بخشد. و قبول برنامه میکند متأسفانه بدلیل هجوم اقتصاد کاذب زمین و زیادی پول در دست شهریان و استعمار شهر از ده

۱- رجوع کنید به روش تحقیق در روستاهای ایران بر اساس پژوهشهای انجام شده در مؤسسه آموزش و پژوهشهای تعاونی - مؤسسه مطالعات اجتماعی - مؤسسه پژوهشهای دهقانی - مرکز تحقیقات وزارت کشاورزی - روش تحقیق در جغرافیا روستائی (دکتر کاظم ودیعی) - مرکز مطالعات و هماهنگی فرهنگی - شورای عالی فرهنگ و هنر و دیگر مراکز معتبر پژوهشهای روستائی.

(خرید ارزان کالای روستائی و فروش گران کالای شهری) این تفکر اقتصادی غالباً صرفاً تفکری مصرفی شده است. باینمعنی که روستائی ما به پول بیشتر اندیشد و نیازهای تازه خود را جز در پناه پول چاره گشائی نمی کند. باین معنی که هنوز در برابر مشکلات حرفه‌ای به تدبیرهای اقتصادی برای مشکلات خود متوسل نمی شوند ازین بابت ذهن روستائیان هنوز آثاری از واماندگی و عدم خلاقیت دارد اگر ماده را بصورت يك واحد اقتصادی شناخته بودیم، بعد از آنکه هرم قدرت سنتی را شکستیم هرم تازه قدرت را بازسازی می کردیم. اگر ما برای ده و در سطح و مقیاس ده برنامه ریزی می کردیم فضای فکری حاکم بر روستائیان ما آغشته به تولید و آفرینندگی می شد در حالیکه بسبب هجوم اقتصاد مصرفی این فضا اینک سخت مصرفی و بی بندوبار است. در فضای فکری تولید شکاف بین نسل‌ها هم بسیار کمتر میشد زیرا نسل جوان بتولید می پیوست در حالیکه اکنون بمصرف پیوسته و در کار تولید خانواده سهمی برای خود جستجو نمی کند و مایل است در بیرون آن تحت تأثیر تب مصرف به پول دست یابد. امروز نسل جوان ده بدور از عقده‌های رعیتی و خرافات ملائی و شارلاتانیزم جادو و جمل و نادروشی در لباس درویشی است، اما همین نسل سخت باوالدین خود فاصله دارد و سخت با تولید روستائی بیگانه میشود. در حالیکه می توانست از طریق پیوستگی به تولید سنتی رابطه خود را بانسل گذشته و والدین خود محکم نگه دارد.

قبل از اصلاحات ارضی روستائیان ایران استعمار و استثمار برایشان امری طبیعی و عادی بود آنها در پناه بعض باورهای بنیانی از جمله حرمت حق بزرگک زمین داران و حرمت نقش مالکیت و اعتقاد به جبر و سرنوشت^(۱) بر اثر تمرکز

۱- درحاشیه این مقوله بررسی آقای داود کیانی منش درباره سرنوشت گرائی در سه

منطقه روستائی ایران حائز توجه است. مجله دانشکده، سال سوم، شماره ۹

قدرت در دست مالکان و اسارت در پنجه فقر اطاعت و قبول در ضمیرشان امری عادی بود^(۱) درست است که روستائی ایران در مقابل فتودالیزم نوع ایرانی (دیرپا و پرانعطاف) از طریق نسق و توسل به نوعی کولکنیویزم روستائی جان‌پناهی برای خود ساخته بود اما فتودالیزم دیرپای ایران که مذهب و نظام شاهنشاهی بارها فشار آنرا کاسته بود میدان برای یافتن تعادل روحی بفرد روستائی نمی‌داد.

در حالیکه پس از اصلاحات ارضی ورهائی از یوغ رعیتی روستائی ایران نخست اعتماد بنفس خود را بازیافت و سپس در پناه اقدامات سریع دولت در جهت تأمین حقوق انسانی زارع به خارج از دنیای بسته خود راه پیدا کرد. وسایل ارتباط جمعی و آموزش و پرورش از یکسو و افزایش مصرف از سوی دیگر روستائی ایران را در رابطه با جهانی گذارد که استنشاق در آن به بیداری ذهن و دماغ وی کمک کرد.^(۲) اما ادخال و بکار گرفتن ماشین در کار تولید شاید پیش از هر عامل دیگر برای آن گروه از روستائیان که با آن سروکار یافتند بیدار کننده بوده و هست. این تجربه خاص ایران نیست روستائیان سراسر جهان شیفتگی خاصی به ماشین پیدا میکنند زیرا معجزه ماشین معجزه کاریدی سنتی و قدرت بازوی روستائی را بکمال می‌رساند.^(۳)

از ویژگیهای فضای فکری کنونی روستاهای ما حالت مقابله با همه عواملی است که در گذشته وطنی قرون او را مکیده و استعمار کرده است. او در دید خود نسبت به همه آنها که در گذشته در لباس دین با ارباب همدستی و او را سرکیسه

۱ - ۲ - رجوع کنید به بررسی فضای فکری حاکم بر مراکز روستائیان ، شورای عالی

فرهنگ و هنر ، قدمعلی سرامی ، پائیز ۲۵۳۶

۳ - این برداشت را نویسنده در پیش از ده کشور آسیائی و اروپائی (بلوک شرق و غرب) و امریکا آزموده است.

کرده‌اند تجدید نظر کرده و اینک بدنال جوهر واقعی دین است. مثلاً او با همه عواملی که از ضعف و بیماری او در گذشته سوء استفاده کرده و او را بیبانه درمان و مداوا دوشیده‌اند درپناه اقدامات سریع و رایگان سپاهی بهداشت مقابله میکنند. و بالاخره او نه تسلیم گردنکشان و باجگیران می‌شود نه به نادریشان راه می‌دهد البته این احکام استثناء پذیرند لکن جهت کلی خط فکری روستائیان ما در دوره انتقال گرایش به عقل و عدالت و نهی خرافات و ظلم است.

* * *

اگر ما توانسته بودیم سه عامل راه-انبار - مدیر - را بموقع به روستائیان برسانیم آنها اینک روی پای خود ایستاده بودند اما ما بآنها این سهر را چنانکه لازم مرحله اول انقلاب بود ندادیم ما بآنها قبل از هر چیز شخصیت سیاسی دادیم و تحت تأثیر رونق اقتصادی شهر از آنها دعوت شدیدی برای مصرف بعمل آوردیم. (۱) طبیعی است در چنین فضای مصرفی انسان روستائی جز زائده شهر و دنبال رو آن نیست. وقتی بآنها تنها صدا و تصویر رساندیم این صدا و تصویر که جاذبه‌ای فوق العاده دارد آنها را از یکسو، مصرفی تر بار می‌آورد و از سوی دیگر او را که سواد کافی ندارد از فهم حوادث و حتی اخبار بسبب نداشتن آموزش سیاسی عاجز می‌سازد. وقتی روستا راهی را که معلم از آنجا به ده رود و رفاهی که این معلم رادر آن جا مقیم سازد فاقد درپناه اقتصاد مصرفی کورصوت و صدا و تصویر خیال-آفرین است و بهمان اندازه که این صوت و تصویر از لحاظ سیاسی و احساس وحدت مهم است از لحاظ فرهنگی همیشه کارساز نیست. همه چیز برمی‌گردد به راه و مدیر

و ایجاد هموازات آن آموزش . تجربه نشان داده است که شرکت های سهامی زراعی یعنی نهاد پیشروی که بعد از اصلاحات ارضی عنوان شد بهمان نسبت که به راه و مدیر و انبار دسترسی داشتند موفقیت یافتند و اما هر جا آموزش با زیر بنای اقتصادی در رابطه نبوده مدرسه ده تنها خدمه برای شهر پرورده است و این یعنی استعمار شهر از ده که خوشبختانه دوام ندارد.

چنین است فضای فکری حاکم بر جوامع روستائی ایران امروز که عزت و اعتماد به نفس - دفع خرافات، مصرف روز افزون، گرایش به تفکر اقتصادی و تأثیر پذیری شدید از وسایل دیداری و شنواری (صدا و تصویر) از ویژگی های آن است. اثر دوره انتقال در جامعه روستائی ایران همراه است با جابجائی توده های عظیمی از روستائیان از بخش اقتصاد روستائی به بخش اقتصاد صنعتی و تجارت و خدمات در قلمروهای قدیم و جدید شهری درین گذار و عبور توده بجا مانده در روستاها از یکسو بسیاری از عادات و آداب خود را حفظ می کند اما بسیاری دیگر را داوطلبانه بفع یک زندگی جدید رها می سازد. خطر آسیب پذیری در چنین دوره های معیشتی از سوی جنبه های کاذب شهرنشینی بالاست بهمین دلیل آموزش عمومی درین دوره نقش اساسی در تعیین سرنوشت و یافتن تعادل روانی و روحی روستائیان دارد.

روستائی ایرانی یک تحول بزرگ را از سر گذرانده و لکن هنوز به تعادل اقتصادی و اجتماعی تازه خود دست نیافته است. تلاش بزرگتری باید آغاز شود.